

## نقش آزمون تجربی در بررسی صدق برخی احادیث و روایات

کاظم استادی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۴، صفحه ۷۹ تا ۱۰۶ (مقاله پژوهشی)

### چکیده

آموزه‌های دینی، شامل بسیاری از جملات «خبری» و «خبری مشروط» هستند که مؤمنین و یا غیر مؤمنین را به «نتایج» یا «جزاءهایی» وعده می‌دهند. از آنجایی که عدم نتیجه عملی صدق این جزاءها، می‌تواند در زندگی روزمره فرد فرد مسلمانان و حتی غیرمسلمانان، اثرگذار باشد و موجب تقویت یا سستی بنیان اعتقادات دینی و یا ترویج و تقبیح مذهب شود، لازم است برای رفع این مشکل، این آموزه‌ها را از هر طریقی که امکان دارد، مورد ارزیابی قرار داد. اگر گزاره‌های دینی، قابل تجربه باشند، می‌توان و حتی باید آنها را تجربه کرد و اگر در آزمون تجربی، نتوانست صادق باشند، به استناد تجربه، صدق آن گزاره را ابطال نمود. بنابراین، تجربه می‌تواند برخی گزاره‌های دینی (حداقل به صورت موردی و با پذیرش قواعدی به صورت کلی) را ابطال و یا اثبات نماید؛ و آموزه‌های دینی را از پلشتی‌ها و خرافات بزدايد. به نظر می‌رسد این راه جدید (یعنی آزمون تجربی)، جدای از بررسی‌های نظری احادیث و روایات، ابزار مناسبی برای بررسی عملی صحت و صدق روایات و احادیث باشد.

**کلیدواژه‌ها:** حدیث، تجربه، صدق روایت، خرافه، فلسفه حدیث.

## مقدمه

انسان‌ها میان طیفی از دو قطب «سخت‌اندیش» و «نرم‌اندیش» قرار دارند؛ به این معنی که برخی انسان‌ها در قبول و پیروی از باورهای خود، تمایل به نرم‌اندیشی یا بهتر بگوییم، ساختار ذهنی نرم‌اندیش دارند و برخی دیگر، تمایل به سخت‌اندیشی یا ساختار ذهنی سخت‌اندیش دارند. شاهد این وضعیت، وجود هم‌زمان عقائد و باورهای بسیار متفاوت از نوع بدوی و پیشرفته در ادیان و آیین‌های مختلف انسان‌های کره زمین، حتی در حال حاضر است.<sup>۱</sup>

به نظر می‌رسد که دین و مکتبی قابلیت ماندگاری و تأثیرگذاری و گسترش دارد، که پایه‌های آموزه‌ها و گزاره‌های آن، در تمامی حوزه‌های دینی خود، سست نباشد و نشود؛<sup>۲</sup> بنابراین، ادیانی که بتوانند انسان‌های سخت‌اندیش بیشتری را جذب خود نمایند، یا جوابگوی پرسش‌های آنها باشند، این توانایی را دارند که، ماندگار، تأثیرگذار و قابل گسترش در تمامی ابعاد و حوزه‌های دینی خود شوند.

ما می‌دانیم مجموعه آموزه‌ها، جملات و گزاره‌های دینی (احکام، اخلاق، عقائد)، «اعتقادات» به معنای کلی را در ادیان (الهی و غیرالهی) شکل می‌دهند؛<sup>۳</sup> در دین اسلام نیز، «آموزه‌های دینی» بر اساس متون قرآن و حدیث، به سه رویکرد احکام، اخلاق و عقائد دسته‌بندی شده‌اند.<sup>۴</sup>

انسان‌های سخت‌اندیش «درون دینی»<sup>۵</sup> و «برون دینی»<sup>۶</sup> خودآگاه یا ناخودآگاه، در تمامی حوزه‌های احکام، اخلاق و عقائد، سخت‌اندیشی می‌نمایند، پس لازم است که ادیان در تمامی حوزه‌های دینی خود، مراقب آموزه‌ها و گزاره‌های دینی خود باشند، تا در مواجهه با این سخت‌اندیشی‌ها، دین و اساس اعتقادات آنها صدمه نیندند.

۱. به عنوان نمونه نک:

“The Global Religious Landscape”. The Pew Forum on Religion & Public Life. Pew Research center. 18 December 2012. Retrieved 18 March 2013. “Major Religions of the World Ranked by Number of Adherents”. Adherents.com. 2005. Retrieved 19 Jun 2010.

۲. برای این منظور، ببینید سرگذشت برخی از ادیان کم جمعیت و مرده جهان را. (نک: هیوم، رابرت، *ادیان زنده جهان*، ص ۲۹. نیز؛ سلیمانی، عبدالرحیم، *ادیان ابتدایی و خاموش*، آیت عشق، قم، ۱۳۸۲).

۳. نک: توفیقی، حسین، *آشنایی با ادیان بزرگ*، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۴ ش. رضی، هاشم، *آیین مغان (پژوهشی درباره ادیان ایرانی)*، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۲ ش. چنیگ، جولیا، *ادیان چین*، مترجم حمیدرضا رشدی، انتشارات باز، تهران، ۱۳۸۳ ش.

۴. «عقاید» رادر علم کلام، «احکام» رادر علم فقه و «اخلاق» رادر علم اخلاق شرح و بسط می‌دهند. (مطهری، مرتضی، *آشنایی با علوم اسلامی*، انتشارات صدرا، ۱۳۷۳ ش، ج ۲، ص ۱۵ و ۱۶)

۵. گزاره‌هایی که می‌توان آن‌ها را مورد بررسی عقلانی قرار داد و صحت و سقم آن گزاره‌ها و مدعیات دینی را از راه عقل و احکام عقلانی ثابت کرد.

۶. گزاره‌هایی که نمی‌توانند مورد بررسی عقلانی قرار گیرد، بلکه از راه نقل و متون مقدس آن دین، می‌توان به فهم گزاره‌ها و اثبات و نفی آن‌ها پرداخت.

بنابراین، یک دیندار مدافع، باید از هر طریقی که می‌تواند و هر چه سریع‌تر، مجموعه آموزه‌ها و گزاره‌های دینی موجود در متون کلاسیک و جدید خود را مورد ارزیابی و بررسی دوباره قرار دهد، و با پالایش آنها، مجموعه‌ای از آموزه‌ها و گزاره‌های دینی زلال را در اختیار خود و علاقمندان به دین‌شان قرار دهد، تا از این طریق به غنا و اعتبار دین و ماندگاری، تأثیرگذاری و گسترش (خودآگاه یا ناخودآگاه) دینی، نایل آید.

حداقل، تاکنون در شیعه، بدون توجه به اینکه آموزه‌ها، جملات و گزاره‌های دینی متون قدیمی دو نوع «قابل تجربه» و «غیرقابل تجربه» هستند، هم فقها، علماء و دانشمندان دینی اسلامی، برای نقد و پالایش آموزه‌ها و گزاره‌های دینی، به بررسی نظری جملات و گزاره‌هایی دینی معطوف بوده است<sup>۱</sup>؛ به عنوان نمونه:

فقهای شیعه، استفاده از هر خوردنی حرام که علاج و درمان بیمار (به صورت انحصاری) متوقف بر آن باشد را جایز دانسته‌اند.<sup>۲</sup> زیرا فرد بیماری که تنها راه شفایش، استفاده از خوردنی حرام باشد، مضطر و ناچار محسوب می‌شود و چنین شخصی، می‌تواند برای درمان خود، به مقدار رفع ضرورت، از خوردنی حرام استفاده کند.<sup>۳</sup>

فقها در پاسخ به این پرسش که با تعارض روایاتی که وجود شفا و درمان در حرام را نفی می‌کنند، چه خواهید کرد؟ به صورت نظری، جواب می‌دهند که:

این روایات، صلاحیت مقابله با ادله و روایاتی را که درمان با حرام را جایز می‌دانند، ندارند.<sup>۴</sup>

همچنین فقهای شیعه، عقیده دارند که، روایاتی که خوردنی‌های حرام را فاقد هر نوع اثر درمانی می‌دانند، بی‌سند بوده و یا سندشان ضعیف هستند.<sup>۵</sup>

۱. به عنوان نمونه در علم رجال، به معرفی روایان و صفاتی که در پذیرش، یا عدم پذیرش روایان نقش دارد - نظیر ایمان و عدالت - می‌پردازند و از چگونگی توثیق و جرح روایان و راه‌های رفع تعارض میان جرح و تعدیل سخن به میان می‌آورند. (برای اطلاع بیشتر نک: طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن بن علی، رجال شیخ طوسی، چاپ جواد قیومی اصفهانی، قم، ۱۴۱۵ق)

۲. به عنوان نمونه: نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، بی‌تا، ج ۳۶، ص ۴۲۴.

۳. به عنوان نمونه: نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، بی‌تا، ج ۳۶، ص ۴۲۷. مستند این حکم، عموم آیه‌ای است که وجود جرح و سختی را نفی نموده (حج، آیه ۷۸) و دلیل دیگر، روایاتی است که نفی ضرر می‌کنند. (شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ق، ج ۲۶، ص ۱۴)

۴. به عنوان نمونه: حائری طباطبایی، سید محمد مجاهد، کتاب المناهل، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، چاپ اول، بی‌تا، ص ۶۶۹.

۵. به عنوان نمونه، روایتی که از حضرت علی علیه السلام در باب خوردن مارهای برای درمان نقل شده است: «خداوند شفا از بیماری را در چیزی که حرام کرده است، قرار نمی‌دهد»، روایتی فاقد سند است. (برای دیدن روایت نک: سعید بن هبة الله، قطب الدین راوندی، الخرائج والجرائح، قم، مؤسسه الامام المهدی، چاپ اول، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۹۱.)



اما به نظر می‌رسد اگر توجه کنیم که آموزه‌ها و گزاره‌های دینی از نظر «تجربه» و «آزمون تجربی» با هم متفاوت هستند و گزاره‌های دینی دو نوع «قابل تجربه» و «غیرقابل تجربه» هستند؛ می‌توانیم برخی از گزاره‌های دینی، یعنی گزاره‌های قابل تجربه را، جدای از طریق نقد و بررسی «نظری»، از طریق «عملی» یعنی تجربه نیز مورد بررسی و مذاقه قرار دهیم. به این معنی که در بررسی صحت و صدق برخی روایات دینی، دو ابزار بررسی «عملی و نظری» در دست علماء و دانشمندان وجود دارد، که تاکنون از یکی، غافل بوده‌اند.

به عنوان نمونه، در بررسی این حدیث که از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده، که در جواب کسی که پرسیده بود، آیا می‌شود مقدار کمی «نبیذ»<sup>۱</sup> برای درمان استفاده کرد، و حضرت فرمودند: «خداوند در چیزهایی که حرام کرده، شفا و درمان قرار نداده است»<sup>۲</sup>، جدای از بررسی‌های نظری حدیث‌شناسی<sup>۳</sup>، می‌توان برای این حدیث، به آزمون عملی با رعایت شرایط علمی<sup>۴</sup> برای آن، دست زد؛ و مثلاً با تشکیل یک جامعه آماري انسان‌های مریض، داروهای حرامی را به آنها تجویز نمود؛ اگر نتیجه درمان و شفاء بیماران، به صورت معنی‌داری مثبت بود، از این آزمون تجربی و عملی، نتیجه گرفت که صحت و صدق این حدیث و روایت منقول از امام صادق علیه السلام، با بررسی و آزمون تجربی و عملی، منتفی است و استناد آن به معصوم علیه السلام مخدوش می‌باشد.

دین اسلام براساس آیات قرآن<sup>۵</sup> و روایات<sup>۶</sup> معصومین علیهم السلام، انسان‌ها را دعوت به تفکر و تعقل و اندیشیدن در امور شخصی، اجتماعی و دینی نموده است<sup>۷</sup>؛ بنابراین، دین اسلام علاقمند به انسان‌های سخت‌اندیش و پیروان متفکر و عاقل است.<sup>۸</sup>

۱. شراب خرما.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، محقق: غفاری، علی‌اکبر و آخوندی، محمد، تهران، دارالکتب الإسلامية، چاپ چهارم ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۱۳. نیز؛ مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار*، بیروت، موسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق، ج ۵۹، ص ۸۶.

۳. گرچه مباحث مربوط به حدیث به دانش‌های گوناگونی تقسیم شده و درباره هر یک کتاب‌های مستقلی نوشته شده است، لیکن بیشتر صاحب نظران، تمامی مباحث مربوط به حدیث را تحت سه عنوان اصلی، بحث می‌کنند: ۱- علم درایت حدیث. ۲- علم روایت حدیث. ۳- علم رجال حدیث.

۴. به عنوان نمونه نک: ملک افضلی، حسین، و دیگران، *روش‌شناسی پژوهش‌های کاربردی در علوم پزشکی*، تهران، دانشگاه علوم پزشکی، ۱۳۸۳ش.

۵. قرآن کریم در آیات فراوانی، با عباراتی چون «إِنَّ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ»، «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»، «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»، «لَا يَفْقَهُونَ» و «لَا يَشْعُرُونَ»، بر به کارگیری عقل، فکر و فهم تأکید می‌ورزد.

۶. به عنوان نمونه، در «کتاب‌العقل والجهل» کافی، روایات فراوانی از اهل بیت علیهم السلام راجع به فضیلت نیکواندیشیدن، درست فکر کردن و خوب فهمیدن، نقل کرده است. در آن روایات، تعقل، بهترین دوست و یاور انسان، راهنمای مؤمن و افضل نعمت‌ها شمرده شده است. (کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، محقق: غفاری، علی‌اکبر و آخوندی، محمد، تهران، دارالکتب الإسلامية، ج ۱، صص ۲۹-۱۰)

۷. «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الْقَوْلَ الَّذِي تَبْتَغُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ». (سوره زمر، آیه ۱۸)

۸. «إِنَّ سَرَ الْأَرْوَاحِ عِنْدَ اللَّهِ الشُّعُورُ الَّذِي لَا يَعْقِلُونَ». (سوره انفال، آیه ۲۲)

از سوی دیگر، هر دینی دارای آموزه‌ها، جملات تعلیمی و گزاره‌هایی است که آنها، مجموع شاکله آن دین را شکل می‌دهند؛ این رویه و شکل‌گیری شاکله، در دین اسلام نیز وجود دارد.<sup>۱</sup>

حال که دین اسلام از پیروان و علاقمندان خود خواسته است که تفکر و تعقل کنند<sup>۲</sup>، اگر جزء سلفی‌ها<sup>۳</sup> و اخباریون<sup>۴</sup> نباشیم، و بخواهیم در آموزه‌ها و گزاره‌های متون دینی (احادیث و روایات)، تفکر و تعقل مناسب کنیم، این تفکر و تعقل، می‌تواند و ممکن است، گاهی منجر به ابهام و انکار در برخی آموزه‌ها و گزاره‌های موجود در روایات و احادیث دینی شود.

به نظر می‌رسد اگر این ابهامات، به خوبی روشن نشود و یا از آموزه‌ها و گزاره‌های دینی رفع نگردد، وجود برخی از این نوع گزاره‌های دینی، می‌توانند از سوی دیگر، موجب سست شدن اعتقادات دینی شوند.

بنابراین، مشکل اینجاست که وجود و تسامح در برخی از آموزه‌ها و گزاره‌های دینی غیرمستند و ناصحیح در احادیث و روایات منسوب به معصومین علیهم‌السلام، توانایی صدمه رسانی به پیکره دین اسلام را (در حد و اندازه) خود دارند.

سؤال: آیا باید نسبت به آموزه‌ها و گزاره‌های سست بنیان، بی‌تفاوت باشیم؟ یا بکوشیم تا با هر طرفند و روش ممکن، این آموزه‌ها و گزاره‌ها را هر چه سریع‌تر از متون و منابع دینی اسلامی پالایش کنیم؟

## ۱- طرح مسأله

گزاره‌های دینی، شامل بسیاری از گزاره‌های «خبری» و «خبری مشروط» هستند که مؤمنین و یا غیر مؤمنین را به «نتایج» یا «جزاءهایی» وعده می‌دهند. همانند:

- هر بیماری را حمد شفا ندهد، هیچ چیز دیگری او را شفا نمی‌دهد.<sup>۵</sup>

۱. به عنوان نمونه نک: میرزای قمی، ابوالقاسم، اصول دین، به کوشش رضا استادی، تهران، مسجد جامع، بی‌تا، ج ۱، ص ۵، نیز: شرح المواقف، ج ۱، ص ۳۸.

۲. اگر کتاب الهی را به گونه کامل تفحص کرده و در آیاتش دقت شود، بیش از سیصد آیه وجود دارد که مردم را به تفکر، تذکر و تعقل دعوت کرده و یا به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم استدلالی را برای اثبات حقی و یا از بین بردن باطلی، آموخته است. خداوند در قرآن حتی در یک آیه، به بندگان خود امر نرفته که نفهمیده به خدا و یا هر چیزی که از جانب اوست، ایمان آورند و یا راهی کورکورانه ببیمایند. (طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۵، صص ۲۵۴-۲۵۶)

۳. گروهی از آنها، فقط کتاب و سنت را حجت دانسته و از داوری‌های عقل کمک نمی‌گیرند؛ و گروهی دیگر می‌گویند قرآن و سنت وقتی برای ما حجت است که با فهم "سلف" همراه باشد، زیرا ما آیین خود را از آنها گرفته‌ایم. (نک: دانشنامه کلام اسلامی، مؤسسه امام صادق علیه‌السلام، برگرفته از مقاله «آشنایی با مکتب سلفیه»، شماره ۴۴)

۴. در نظر آنها، حکم عقل در صورتی که دارای مبدأ حسی یا قریب به حس نباشد، حجت ندارد، زیرا عقل نمی‌تواند فلسفه احکام و مصالح و مفاسد واقعی مسایل شرعی را درک کند. اخباریان، بر خلاف اصولی‌ها، کلیه اخبار کتب اربعه را صحیح و قطعی الصدور می‌دانند. (نک: دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، مدخل اخباریون)

۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق: غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ج ۴، ص ۴۳۴، روایة: ۲۲.



- اگر بخواهید هنگام خوردن سبزی تُرَب، از بوی بد آن در امان باشید، در آغاز خوردن صلوات بفرستید!<sup>۱</sup>

از آنجایی که نتیجه عملی صدق و تحقق این جزاءها، در زندگی روزمره فرد فرد مسلمانان و حتی غیر مسلمانان، می تواند موجب تقویت یا سستی بنیان اعتقادات دینی و یا ترویج و تقبیح مذهب شود، لازم است برای رفع این مشکل، این گزراه‌ها را از طریق تجربه و آزمون عملی مورد ارزیابی قرار داد، و صدق و کذب آنها را بدست آورد.

## ۲ - صورت بندی مسأله

مسأله «نقش آزمون تجربی، به عنوان ابزار بررسی صدق برخی روایات متون دینی» محتاج توجه به تفاوت «گزاره‌های دینی قابل تجربه» و «گزاره‌های دینی غیرقابل تجربه» است و اجمال صورت بندی آن، این‌گونه است که:

ادیان (چه الهی و چه غیر الهی)، برای ارایه و تبلیغ خود، ناگزیر به استفاده از زبان و به تبع آن متن هستند. برخی جملات ادیان، «اخباری» یا «اخباری مشروط» هستند. جملات «اخباری» و «اخباری مشروط» یا به عبارت دیگر، «گزاره‌های دینی» قابل صدق و کذبند. این جملات قابل صدق و کذب دینی، یا زمان دارند (مؤکول به آخرت و دنیای دیگر شده‌اند) یا ساکت در زمان، یعنی قابلیت انجام و تجربه در زمان حال (یعنی دنیا) را دارند.

به نظر می‌رسد، برخی گزاره‌های دینی ساکت در زمان، قابل «تجربه» هستند؛ و از طریق آزمون و تجربه این گزاره‌های قابل تجربه، می‌توان صدق و کذب آنها را اعلام کرد؛ و گزاره‌های کاذب را از دایره متون دینی، خارج کرد. بنابراین، توجه به تفاوت «گزاره‌های دینی قابل تجربه» و «گزاره‌های دینی غیرقابل تجربه» بسیار حائز اهمیت است.

توضیح مفصل صورت بندی و اخذ نتیجه به این شرح است:

۱. عن ابن مسعود قال: قال رسول الله ﷺ: إذا أكلتم الفجل وأردتم أن لا يوجد له ريح، فأذكروني عن أول قصمة (مكارم الأخلاق)، ج ۱، ص ۳۹۳. نیز: قال رسول الله ﷺ: إذا أكلتم الفجل وأردتم أن لاتنتن، فصلوا علي عند أكله (المستدرک، ۱۶/۴۲۷). نیز: قال رسول الله ﷺ: إذا أكلتم الفجل وأردتم أن تجتنبوا نتنه، فصلوا علي عند أول قصمة منه (مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۹۹).

## ۲-۱- ادیان زبان مند هستند

دین و معنویت، از جمله پدیده‌های انسانی هستند که بیشترین وابستگی را به زبان دارند. نیایش، بیان اعتقادات مذهبی و تبلیغ دین، همگی نیازمند زبان هستند؛ هر چند که، فرقه‌های مختلف یک مذهب، گفتمان‌های خاص خود را دارند.<sup>۱</sup>

آموزه‌های اساسی مذهبی و معنوی، معمولاً آموزه‌های «عینی» یعنی مربوط به جهان فیزیکی نیستند؛ بنابراین، «زبان» نقش مهمی در تجسم و چارچوب‌بندی آنها دارد؛ و در واقع، تنها رابط میان این آموزه‌ها و واقعیت، زبان است؛ هر چند که رابطه بین زبان و ادیان دارای حکمت<sup>۲</sup>، کمتر است. در این ادیان، زبان تنها وسیله‌ای برای ارتباط یا نیایش است.<sup>۳</sup>

زبان ادیان، شامل مطالب کتب الهی و حکمت‌آمیز و نیز روایات و احادیث اولیای دینی یا مبلغین آنها می‌باشد. در دین اسلام نیز، این زبان در مجموعه‌ای به نام کتاب (قرآن) و سنت گرد آمده است.

«سنت» در دین اسلام، گفتار، کردار و تقریر معصوم علیه السلام است که به عنوان یکی از ادله اربعه شیعه و پس از قرآن کریم، به عنوان دومین منبع اجتهاد مسلمانان شمرده می‌شود.<sup>۴</sup> «گفتار، کردار و تقریر» پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و معصومین علیهم السلام به وسیله زبان، یعنی استفاده از جملات، به افراد مختلف و نسل‌های بعد، منتقل می‌شوند.

بنابراین و در هر صورت، به نظر می‌رسد که «ادیان» چه الهی و چه غیر الهی، زبان‌مندند، یعنی ناگزیر به استفاده از جملات (چه گفتاری و چه نوشتاری) هستند.

1. Wiegand H. E. (2004), *Sociolinguistics: An International Handbook of the Science of Language and Society*, 2nd ed., vol. 1, Berlin: Walter de Gruyter. P352

۲. مثل بودایی، آئیمیسیم و مذهب تائو.

۳. مثلاً متون مذهبی بودایی که به زبان سانسکریت و پراکریت هستند، به زبان چینی یا تبتی ترجمه شده‌اند.

۴. سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به اجماع مسلمانان حجت است و سنت امامان شیعه، به اعتقاد شیعه معتبر است. اهل سنت، سنت صحابه غیر معصوم را نیز معتبر می‌دانند. فعل معصوم حداقل مجاز بودن آن عمل را نشان می‌دهد و تقریر معصوم نیز نشان دهنده جواز یک عمل است.

## ۲-۲ - جملات ادیان دو نوع هستند

ادیان و همچنین دین اسلام، نیاز به ارتباط (مستقیم یا غیر مستقیم) با عموم مردم (یا حداقل عده‌ای از مردم) را دارند<sup>۱</sup>، بنابراین فرض این است که ادیان، از جملات مورد فهم و استفاده عرف مردم زمان و عصر خود استفاده کرده‌اند.<sup>۲</sup>

اکنون، صرف نظر از دسترسی داشتن یا نداشتن به ساختار زبان عرف عصر ادیان<sup>۳</sup>، و تسامح در فاصله زمانی و زبانی موجود تا عصر ادیان و همچنین دین مبین اسلام، ناچاریم برای خوانش و تفسیر متون دینی در دست خود، از دستور زبان کنونی و مطابقت متون دینی با آن پیروی کنیم. بنابراین، با توجه به جملات مصرفی میان ما، جمله را از نظر معنی به دو قسمت خبری و انشایی تقسیم می‌کنند:

**الف - جمله خبری:** اگر جمله‌ای بیان کننده اسناد بین دو چیز در واقع (خبر) باشد، (چه در زمان گذشته و چه در زمان حال و چه در زمان آینده)، آن جمله را جمله خبری، و در بیشتر موارد، گزاره می‌گویند.

**ب - جمله انشایی:** جمله‌ای که مقابل خبری باشد، یعنی جمله‌ای است که مفهوم جمله خبری را نرساند؛ مانند: جمله امری، داعی، استفهامی، تمنایی، ندایی.

بنابراین، جملات متون ادیان نیز از این قاعده کنونی، مستثنی نیستند؛ و از نظر معنا، شامل جملات خبری و انشایی می‌باشند؛ هر چند که ممکن است در نوع ساختار جمله و جملات متفاوت از امروز باشند.

## ۲-۳ - اخبار و گزاره‌ها، قابل صدق و کذب هستند

مشهور، جمله خبری را جمله‌ای دانسته‌اند که برای دلالت بر ثبوت یا عدم ثبوت نسبت بین دو چیز در واقع، وضع شده باشد؛ که در صورت مطابقت نسبت کلامی با واقع، جمله متصف به صدق و در صورت عدم مطابقت، متصف به کذب می‌شود.<sup>۴</sup> به طور کلی اگر بتوانیم در جمله‌ای احتمال صدق و کذب بدهیم، «خبری» و در غیر این صورت، «انشایی» است.

۱. به عنوان نمونه، نگاه کنید: سوره بیس، آیه ۱۷. نیز: سوره نحل، آیه ۳۵. نیز: سوره احزاب، آیه ۳۹. نیز: سوره نحل، آیه ۸۳. نیز: سوره جن، آیه ۲۲. نیز: سوره اعراف، آیه ۶۲.

۲. به عنوان نمونه: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا يَلْسَنُ قَوْمِهِ لِئِيَّاكُمْ لَهْمُ» (سوره ابراهیم، آیه ۴) و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم تا - حقایق را - برای آنان بیان کند.

۳. به عنوان نمونه نک: استادی، کاظم، تأثیر گسست لغت نامه نویسی (دو قرن اول - ق) بر قطعیت تفسیر کنونی قرآن و حدیث، قم، ۱۳۹۵ ش.

۴. به عنوان نمونه نک: خویی، ابوالقاسم، محاضرات فی اصول الفقه، ج ۱، ص ۸۷. نیز: حکیم، محسن، حقایق الاصول، ج ۱، ص ۲۷. نیز: فیاض، محمد اسحاق، محاضرات فی اصول الفقه، ج ۱، ص ۹۸-۹۵. نیز: نهنوی، محمد اعلی بن علی، کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، ج ۱، ص ۲۴۶.



جمله‌ای خبری را که دقیقاً درست یا نادرست باشد، گزاره<sup>۱</sup> می‌نامند؛ هر چند که درستی یا نادرستی آن بر ما پوشیده باشد. البته، همه جملات خبری هم نمی‌توانند گزاره باشند؛ همانند: «سعدی شاعر خوبی است». جملات نسبی، نمی‌تواند یک گزاره تلقی شود، چرا که درستی یا نادرستی آن دقیقاً معین نمی‌باشد.<sup>۲</sup>

همچنین از سوی دیگر، جملات شرطی را به عنوان یک واحد کل در نظر گرفته شوند، گزاره می‌نامند. به این معنی که گاهی در ساختن گزاره، به جای این‌که از چیزی، خبری قطعی داده شود، از شرط در ساختار آن استفاده می‌شود، و خبر را مشروط می‌نماید؛<sup>۳</sup> به این گونه گزاره‌ها، گزاره شرطی می‌گویند.<sup>۴</sup>

بنابراین، گزاره‌ها، چه شرطی و چه غیرشرطی، قابل صدق و کذب هستند.

## ۲-۴ - تفاوت گزاره‌های دینی قابل تجربه و غیرقابل تجربه

«گزاره‌ها» از جهات گوناگون تقسیم و دسته‌بندی می‌شوند<sup>۵</sup>، که فعلاً مد نظر این نوشتار نیست؛ اما اکنون تقسیم‌بندی گزاره‌ها از نظر زمان، مدنظر ماست. گزاره‌های دینی، از نظر زمانمندی، دو نوع هستند:

- یا زمان دارند (مؤکول به پس از دنیا، یعنی آخرت شده‌اند)<sup>۶</sup>

- یا ساکت در زمان هستند، به این معنی که مقید به زمان خاصی نیستند و قابلیت خبررسانی یا وقوع نتیجه خبر در زمان حال (یعنی دنیا) را دارند.<sup>۷</sup>

گزاره‌های زماندار (یعنی مؤکول به آخرت)، هرچند که از جهت ساختار خبری خود، صلاحیت صدق

### 1. statement.

۲. چون بر حسب سلیقه تغییر می‌کند و نمی‌توان بر روی آن دقیقاً ارزش درستی یا نادرستی قرار داد و اساساً ارزش گذاری آن به نوعی نسبی و شایده بی معنی باشد.

۳. مثلاً گفته می‌شود: «اگر باران بیاید، دانه‌ها جوانه خواهند زد».

۴. بیان گزاره‌های شرطی در زبان‌های طبیعی بسیار متنوع است. گزاره‌های زیر همگی به یک معنی می‌باشند: اگر p (آنگاه) q. هرگاه p (آنگاه) q. درحالی‌که p آنگاه q. فقط وقتی که q. اگر q. اگر p. به شرط آنکه q. در صورتی که p.

۵. به عنوان مثال: گزاره‌های تحلیلی (analytic) و گزاره‌های ترکیبی (synthetic) و شبه‌گزاره‌ها (pseudopropositions)

۶. کسی که گرسنه‌ای را سیر کند، خداوند برای او رودی در بهشت جاری خواهد نمود (ابن بابویه، محمد بن علی، ثواب الأعمال، ترجمه مجاهدی، قم، سرور، ۱۳۸۱ش، ص ۴۶۶)

۷. هر بنده خدایی، آخرین آیه سوره کهف را قرائت نماید، در هر ساعتی که بخواهد از خواب بیدار می‌شود. (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق: غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ج ۲، ص ۴۶۲. نیز: تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۳۱۶).



و کذب دارند، ولی چون خبر آنها در حال حاضر (یعنی در دنیا)، واقع نمی‌شوند، نمی‌توان صدق و کذب آنها را تجربه کرد؛ بنابراین، فعلاً آنها را غیر قابل تجربه، یا حداقل، غیر قابل تجربه همگانی و روشن، می‌دانیم.<sup>۱</sup>

**نتیجه اینکه:** از دو حال خارج نیست، یا گزاره‌های دینی همه از نظر تجربه با هم یکسانند یا با هم متفاوتند؛ اگر همه گزاره‌های دینی را یکسان بدانیم، به این معنی است که:

- یا همه قابل تجربه هستند، که این به نفع مراد ما در طرح مسأله «نقش آزمون تجربی، به عنوان ابزار بررسی صدق برخی روایات متون دینی» می‌باشد.

- یا همه غیر قابل تجربه هستند، که این به معنی انکار بسیاری از گزاره‌های دینی است. چون افراد بسیاری به صورت روزمره، در حال استفاده و تجربه این گزاره‌ها هستند و وجداناً نمی‌توان وجود این گزاره‌های تجربی را انکار و حذف نمود.

اما اگر گزاره‌های دینی را از نظر تجربه، متفاوت بدانیم، به این معنی است که «تفاوت گزاره‌های دینی قابل تجربه و غیر قابل تجربه» را پذیرفته‌ایم؛ و باید به لوازم این تفاوت پایبند باشیم.

با این پیش فرض، انواع جملات دینی «خبری» و «خبری مشروط» را از نظر قابل تجربه بودن و غیر قابل تجربه بودن، می‌توان به چهار نوع زیر تقسیم می‌کنیم:

## الف - خبری

۱- جملات خبری، غیر قابل تجربه

۲- جملات خبری، قابل تجربه

## ب - خبری مشروط<sup>۲</sup>

۱- جملات خبری شرطی، غیر قابل تجربه (یک مرحله‌ای و چند مرحله‌ای)

۲- جملات خبری شرطی، قابل تجربه (یک مرحله‌ای و چند مرحله‌ای)

۱. به این معنی که ممکن است عده‌ای بر شهود و تجسم اعمال در دنیا و... قائل باشند، و معتقد باشند این دست از اخبار نیز در دنیا، قابل نتیجه هستند.

۲. گزاره‌های شرطی دو نوع است، شرطی یک مرحله‌ای (اگر X آنگاه Q یعنی شرایطی برای خبر معین نشده است) و شرطی دو یا چند مرحله‌ای (اگر X به شرط داشتن Z، آنگاه Q یعنی شرایطی برای خبر معین شده است)

به نظر می‌رسد که می‌توانیم جملات خبری و جملات خبری شرطی ساکت در زمان را به عنوان گزاره‌های قابل تجربه، مورد آزمون قرار دهیم.

### ۳- فرضیه

«تجربه، می‌تواند به عنوان ابزار بررسی صدق برخی روایات و احادیث دینی، نقش ایفا کند». به عبارت دیگر، تجربه (به معنی آزمون تجربی)، به عنوان ابزار بررسی صحت و صدق برخی روایات و احادیث موجود در متون دینی، می‌تواند برخی گزاره‌های دینی را که قابل آزمایش تجربی هستند، (حداقل به صورت موردی) ابطال کند.<sup>۱</sup>

البته باید توجه نمود که در این فرضیه، تأکید بر «امکان ابطال»<sup>۲</sup> برخی از گزاره‌های دینی است، و امکان ابطال با «تحقق ابطال» و «بطلان حقیقی»، متفاوت است، یعنی ممکن است تجربه (یعنی آزمون عملی)، در مقام ابطال مواردی از این گزاره‌ها، خطا کند، و یا در نهایت، ابطال او مطابق با واقعیت خارجی نباشد.

### ۴- تدوین فرضیه

این فرضیه، اساساً به لزوم توجه به تفاوت «گزاره‌های قابل تجربه» و «گزاره‌های غیرقابل تجربه» تأکید دارد. برای این منظور، بیان می‌کند که آموزه‌هایی دینی اسلامی، از جهت ساختار زبان، خبری و انشائی هستند و جملات خبری که دقیقاً درست یا نادرست باشند، گزاره هستند. گزاره‌ها، چه شرطی و چه غیرشرطی، قابل صدق و کذب هستند. بنابراین، برخی آموزه‌های دینی، قابل صدق و کذبند.

از سوی دیگر، تجربه می‌تواند نسبتی با گزاره‌های دینی داشته باشد و در بررسی گزاره‌های دینی موجود در روایات و احادیث، به نظر می‌رسد که گزاره‌های دینی دو دسته هستند:

الف- گزاره‌های دینی قابل تجربه.

ب- گزاره‌های دینی غیر قابل تجربه.

۱. البته این تجربه به معنای تجارب علمی، با توجه به محدودیت‌های مطرح شده در فلسفه علم است؛ یعنی مشکلات و تنگناهایی که در موضوع استقراء و لوازم آن، در فلسفه علم مطرح است، در اینجا نیز مطرح می‌باشد؛ و ما از توجه به آن غافل نبودیم.

۲. امکان ابطال تجربی گزاره‌های قابل تجربه، با آنچه در مباحث ابطال ناپذیری گزاره‌های دینی غیرقابل تجربه مطرح شده است، متفاوت است. ابطال‌پذیری (falsifiability) امکان منطقی این است که غلط بودن یک گزاره را بتوان از طریق یک مشاهده یا تجربه فیزیکی نشان داد. یعنی، مذاکرات در مورد یک فرضیه، گزاره یا نظریه قابل مشاهده، فقط اگر ابطال‌پذیر باشد، قابل قبول است. بنابراین، فرضیه‌ای ابطال‌پذیر خواهد بود که حداقل یک گزاره مشاهده‌تی، منطقاً ناسازگار با آن امکان، وجود داشته باشد. (برای اطلاع بیشتر نک: پوپر، کارل، منطق اکتشاف علمی، ترجمه سید حسین کمالی، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱ش)



اگر گزاره‌های دینی قابل تجربه باشند، می‌توان آنها را تجربه نمود. تجربه نمودن و آزمون عملی گزاره‌ها، منتهی به صدق و کذب آنها می‌شود. پس، از طریق تجربه به معنای آزمون عملی، می‌توان به بررسی عملی روایات و احادیث پرداخت. بنابراین، تجربه، می‌تواند به عنوان ابزار بررسی صدق برخی روایات و احادیث دینی، نقش ایفا کند.

تدوین مفصل فرضیه به این شرح است که:

#### ۴-۱- برخی آموزه‌های دینی، قابل صدق و کذبند

همان گونه که پیش‌تر در صورت‌بندی مسأله این نوشتار بیان شد، آموزه‌هایی دینی اسلامی (قرآن و سنت)، از جهت ساختار زبان چند نوع هستند:

۱- جمله انشایی: همانند:

جمله امری: ﴿الْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ﴾<sup>۱</sup> ﴿لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ﴾<sup>۲</sup>

جمله دعایی: ﴿رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾<sup>۳</sup>

جمله تمنایی، جمله استفهامی، جمله ندایی و...

۲- جمله خبری: همانند:

جمله خبری غیرمشروط: ﴿لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِذَا تُبْدُوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفَوْنَ بِحَاسِبِكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَعْلَمُ مَنْ يَشَاءُ وَيَعْدِبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾<sup>۴</sup>

جمله خبری مشروط: ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ خُسْرٍ؛ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾<sup>۵</sup>

جمله‌ای خبری که دقیقاً درست یا نادرست باشد، گزاره است. همچنین، جملات شرطی به عنوان یک واحد کل، گزاره می‌باشند. گزاره‌ها، چه شرطی و چه غیرشرطی، قابل صدق و کذب هستند. بنابراین، برخی آموزه‌های دینی، قابل صدق و کذبند.

۱. سوره بقره، آیه ۲۲۸.

۲. سوره بقره، آیه ۸۲.

۳. سوره طه، آیه ۱۱۴.

۴. سوره بقره، آیه ۲۸۴.

۵. سوره والعصر، آیه ۲ و ۳.

## ۴-۲- آیا تجربه می‌تواند نسبتی با گزاره‌های دینی داشته باشد؟

تجربه به معنای «آزمون و آزمودن»<sup>۱</sup> و در اصطلاح، به معنای:

ملاحظه و مشاهده مکرر توالی دو امر است، به نحوی که برای ذهن یقین حاصل شود که بین آن دو امر، رابطه علیت یا تلازم وجود دارد و صدفه یا اتفاقی بودن آن از ذهن زایل گردد.<sup>۲</sup>

به عبارت دیگر، آزمودگی در مفهوم عمومی به همه مهارت‌ها و دانسته‌ها، از برخی پدیده‌ها و موضوعات (که ناشی از برخورد با آن موضوع و درگیری با آن پدیده در خلال دورانی معین است)، اطلاق می‌شود.<sup>۳</sup>

تجربه در این مفهوم، یعنی بکارگیری روش مند از حواس بدن انسان و نتایج و قضاوت‌های آن. بنابراین، اکنون سؤال این بخش را می‌توان ساده‌تر و به این صورت مطرح کرد: آیا حواس بدن انسان، می‌توانند نسبتی با گزاره‌های دینی داشته باشد، یا پیداکنند؟

«آموزه‌های دینی» از آنجا که بعد از نزول وحی و در اختیارگیری پیامبران، دیگر از جنس تعاملات و تبادلات انسانی و بشری هستند<sup>۴</sup>؛ دسترسی و استفاده به این آموزه‌ها در مرحله اول، تماماً محتاج و معطوف به حواس جسمی بدن می‌باشند، به عنوان مثال:

﴿وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئاً وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ﴾<sup>۵</sup>

«خداوند انسان را با ابزارهای معرفتی آفرید، تا به وسیله آن حق و باطل، چشیدنی‌ها و بوییدنی‌ها، رنگ‌ها و جنس‌ها را بشناسد».<sup>۶</sup>

۱. پرتو، ابوالقاسم، واژه یاب: فرهنگ برابرهایی پارسی واژگان بیگانه، تهران، اساطیر، ۱۳۷۳ش، ذیل واژه.

۲. ابن سینا، الاشارات و التنبيهات، مع الشرح لنصیرالدین طوسی و شرح الشرح لقطب الدین رازی، تهران ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۱۳-۲۱۶. نیز: محمد بن محمد فارابی، کتاب الجمع بین رأی الحکیمین، چاپ البیرنصری نادر، بیروت ۱۹۸۰م، ص ۹۸-۹۹. نیز: محمد بن محمد فارابی، المنطقیات للفارابی، چاپ محمدتقی دانش پژوه، قم ۱۴۰۸-۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۷۱. نیز: ابن سینا، الشفاء، المنطق، ج ۳، الفن الخامس: البرهان، چاپ ابوالعلا عقیفی، قاهره ۱۳۷۵ق، چاپ افست قم ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۹۵.

۳. در غرب، تعاریف مختلفی با مضامین تقریباً مشترک پیرامون تعریف تجربه ارائه شده است. (نک:

Compare various contemporary definitions given in the OED (2nd edition, 1989)

۴. استادی، کاظم، نقش مغز پیامبران و کارکردهای آن در دریافت و ابلاغ وحی، (مقاله‌ای از کتاب تحریف و مصحف) قم، خدادای، ۱۳۹۳ش، مقاله آخر.

۵. سوره نحل، ۷۸.

۶. سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه شهیدی، تهران، ۱۳۷۸ش، خطبه ۱.

«خداوند برای شما گوش‌هایی قرار داد، تا شنیدنی‌های مهم را به ذهن بسپارید و نیز چشم‌ها قرار داد، تا پیده از شناخت دیدنی‌ها بردارد»<sup>۱</sup>.

«جایگاه ایمان، دل است و راه آن، گوش‌ها است»<sup>۲</sup>.

«چشم، رسول و خیرنگار دل است»<sup>۳</sup>.

در مرحله بعد از دریافت آموزه‌های دینی توسط حواس بدن، از طریق همین حواس بدن، انسان به این آموزه‌های دینی، عمل می‌کند؛ و این اعمال، به عنوان ابزار تعالی بخش بعد درونی انسان قلمداد می‌شود. اگر حواس و تجربه عملی، از کارکرد و ساختار وجودی انسان حذف شود. بسیاری از آموزه‌های دینی در مقام عمل، محقق نمی‌شوند.<sup>۴</sup>

بنابراین، نمی‌توان مسأله حواس بدن را به عنوان «ابزار تجربه» از مسائل، آموزه‌ها و گزاره‌هایی دینی جدا دانست. همین نکته، می‌تواند، ارتباط و نسبت تجربه و گزاره‌های دینی را به صورت کلی که نیاز عنوان این بخش است، نشان دهد.<sup>۵</sup>

#### ۴ - ۳ - گزاره‌های دینی قابل تجربه و غیرقابل تجربه

با بررسی گزاره‌های دینی موجود در روایات و احادیث، به نظر می‌رسد که گزاره‌های دینی دو دسته هستند: الف - گزاره‌های دینی قابل تجربه. ب - گزاره‌های دینی غیر قابل تجربه. برخی از این گزاره‌ها غیرشرطی و برخی شرطی و عده‌ای از آنها مقید به پیش‌فرض‌هایی جهت «تحقق» هستند؛ که از آنها می‌توان به یک مرحله‌ای و چند مرحله‌ای، یاد کنیم. به عنوان نمونه، عده‌ای از روایات و احادیث کتاب ثواب الاعمال را جهت دقت و توجه به دو دسته الف و ب که بیان شد، ذکر می‌کنیم:

الف - گزاره‌های دینی قابل تجربه.

- شرطی یک مرحله‌ای، قابل تجربه

۱. سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه شهیدی، تهران، ۱۳۷۸ش، خطبه ۸۳.

۲. غرر الحکم، ص ۲۲۵.

۳. غرر الحکم، ص ۳۱.

۴. «وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّىٰ يَبْصُرُونَ» (سوره یس، آیه ۶۶)

۵. از اینکه بگذریم، نیاز است تا ابعاد مختلف تجربه را در اشکال مختلف، با گزاره‌های دینی به صورت مجزا مورد پژوهش قرار دارد؛ که فعلاً نیاز این نوشتار از آن مستغنی است. در این بخش، تنها به این نیاز داشتیم تا صرف ارتباط تجربه و آموزه‌های دینی را در اختیار داشته باشیم.

به عنوان نمونه، چند حدیث از کتاب ثواب الاعمال آورده می‌شود:

- اگر کسی در هر روز سی مرتبه **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ** گوید، بی‌نیازی به او رو می‌آورد، و تنگدستی از او روی می‌گرداند.<sup>۱</sup>

- مسواک زدن دوازده خاصیت دارد: ۱- دهان را پاک و پاکیزه می‌کند. ۲- دندان‌ها را سفید می‌کند. ۳- ریزش و ساییدگی دندان را از بین می‌برد. ۴- لثه‌ها را محکم می‌کند. ۵- اشتها و میل به خوردن غذا را زیاد می‌کند. ۶- حافظه آدمی را می‌افزاید. و...<sup>۲</sup>

- هر کس سر خود را با برگ سدر بشوید، خداوند تا هفتاد روز وسوسه شیطان را از او دور می‌کند؛ و کسی که خداوند تا هفتاد روز وسوسه شیطان را از او دور کند، آلوده به گناه نمی‌شود و گناه نمی‌کند.<sup>۳</sup>

- در خضاب چهارده خصلت خوب وجود دارد: ۱. رفع باد از گوش انسان ۲. جلا دادن به چشم‌ها ۳. نرم کردن مخاط بینی ۴. خوشبو کردن دهان ۵. محکم کردن لثه ۶. برطرف کردن بوی بد از تمام بدن و...<sup>۴</sup>

- شانه کردن موی سر، بیماری و با را دور، روزی را افزون و نیروی جماع را شدت می‌بخشد.<sup>۵</sup>

- سرمه باعث رویش مو می‌شود، آبریزش چشم را خشک می‌کند، آب دهان را خوشمزه و خوشگوار می‌سازد، و موجب تقویت بینائی چشم است.<sup>۶</sup>

- نماز شب، چهره‌ها را سفید و نورانی و بدن آدمی را معطر می‌سازد و نیز موجب فراوانی روزی است.<sup>۷</sup>

- دارائی خود را با پرداخت زکات حفظ کنید، و بیماران خود را با دادن صدقه مداوا نمایید، و هیچ مالی - چه در خشکی و چه در دریا - از بین نمی‌رود مگر آنکه بخاطر ندادن زکات آن‌هاست.<sup>۸</sup>

- حجّ و عمره را بجای آورید تا بدن‌های شما سالم، روزی شما فراوان و ایمانتان درست و شایسته گردد، و هزینه‌های زندگی شما و خانواده شما و دیگران نیز تأمین شود.<sup>۹</sup>

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، *ثواب الاعمال*، ترجمه مجاهدی، قم، سرور، ۱۳۸۱ ش، ص ۴۹. همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.

۲. همان، ص ۷۱. همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.

۳. همان، ص ۷۵. همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.

۴. همان، ص ۷۸. همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.

۵. همان، ص ۷۹. همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.

۶. همان، ص ۸۰. همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.

۷. همان، ص ۱۲۳. همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.

۸. همان، ص ۱۳۶. همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.

۹. همان، ص ۱۳۷. همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.



- هر کس صد آیه از قرآن بخواند و سپس هفت بار «یا الله» بگوید، اگر بخواهد که صخره‌ای را از جای خود برکند به خواست خدا از جای خواهد کند.<sup>۱</sup>

- کسی که چهار آیه از اول سوره بقره، و آیه الکرسی را با دو آیه پس از آن، و سه آیه پایانی آن سوره را (با هم) تلاوت کند هیچ گزندی به جان و مال او نمی‌رسد، و شیطان به او نزدیک نمی‌شود، و قرآن را از یاد نمی‌برد.<sup>۲</sup>

- هرگز کسی به هنگام خواب آیه ۴۱ فاطر تلاوت نکرده است که خانه بر سر او خراب شود.<sup>۳</sup>

- دستی که در آن انگشتی فیروزه باشد، فقیر نمی‌شود.<sup>۴</sup>

### - شرطی دو یا چند مرحله‌ای، قابل تجربه

به عنوان نمونه، چند حدیث از کتاب ثواب الاعمال آورده می‌شود:

- کسی که برای سفر از خانه بیرون آید و عصائی از چوب درخت بادام تلخ با خود داشته باشد و آیات ۲۲ تا ۲۸ سوره قصص را تلاوت کند، خداوند او را از شرّ هر حیوان درنده و قوی پنجه، و هر راهزن چپاولگر، و از هر گزنده آزار دهنده‌ای مصون می‌دارد تا به نزد افراد خانواده‌اش باز گردد.<sup>۵</sup>

- کسی که به هنگام سوار شدن بر مرکب سواری «بسم الله، لا حول و لا قوة الا بالله، الحمد لله الذي هدانا لهذا، و سبحان الذي سخر لنا هذا و ما كنا له مقرنين» بگوید، جان او و مرکب او تا زمانی که از آن پیاده شود، محافظت خواهد شد.<sup>۶</sup>

- کسی که آب دهان خود را به احترام مسجد فرو برد، خداوند آب دهان او را موجب سلامتی بدن او قرار دهد و از بیماری‌های جسمی، در سلامت بماند.<sup>۷</sup>

- هر کس در روزهای شنبه یا پنجشنبه ناخن‌های خود را بگیرد و سبیل خود را کوتاه کند، از درد چشم و درد دندان در امان خواهد بود.<sup>۸</sup>

- هر کس به نیت اینکه کفش سپید رنگی خریداری کند، به بازار رود، آن کفش که نه نمی‌گردد مگر

۱. همان، ص ۲۷۱. همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.

۲. همان، ص ۲۷۸. همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.

۳. همان، ص ۳۹۱. همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.

۴. همان، ص ۴۴۴. همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.

۵. همان، ص ۴۹۰. همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.

۶. همان، ص ۴۸۴. همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.

۷. همان، ص ۷۲. همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.

۸. همان، ص ۸۲. همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.



- اینکه دارنده او را ثروتی رسد از راهی که گمان نداشته است.<sup>۱</sup>
- پس از انجام نماز صبح و نماز عصر، ساعتی به ذکر مشغول باش تا من همه نیازمندی‌ها و گرفتاری‌های تو را برطرف سازم.<sup>۲</sup>
- روزه داری که در آغاز روز خود را با عطری خوشبو کند، هیچ گاه عقلش را از دست نمی‌دهد.<sup>۳</sup>
- هر غم زده‌ای که به زیارت امام حسین (علیه السلام) می‌آید، خدا او را شاد و خوشحال به خانواده‌اش باز گرداند.<sup>۴</sup>
- هر کس سوره بنی اسرائیل را در هر شب جمعه بخواند، نمی‌میرد تا آنکه زمان قائم آل محمد (صلی الله علیه و آله) را درک کند و از یاران او بشود.<sup>۵</sup>
- کسی که سوره ﴿عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ﴾ را تلاوت کند و هر روز بر قرائت آن مداومت نماید، آن سال را به پایان نمی‌برد مگر آنکه به زیارت خانه خدا مشرف شود.<sup>۶</sup>
- کسی که یازده بار سوره ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ را پس از نماز صبح بخواند، در آن روز گناهی از او سر نمی‌زند هر چند که شیطان خوار شود.<sup>۷</sup>
- هیچ شخصی نیست که به مستمند ناتوانی صدقه بدهد و آن مسکین در همان وقت برای او دعا کند مگر اینکه دعایش مستجاب گردد.<sup>۸</sup>
- کسی که در روز جمعه یک صد مرتبه صلوات بر من بفرستد، خداوند شصت حاجت او را بر آورد، سی حاجت متعلق به دنیا و سی حاجت متعلق به آخرت است.<sup>۹</sup>
- کسی که با عقیق در قرعه شرکت کند (قرعه را با دستی که انگشتری عقیق در آن است، درآورد) بهره بیشتری نصیب او خواهد شد.<sup>۱۰</sup>
- کسی که چیزی را آرزو کند که مورد خشنودی خداوند باشد، از دنیا نخواهد رفت تا به آرزوی خود برسد.<sup>۱۱</sup>

۱. همان، ص ۸۵، همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.

۲. همان، ص ۱۳۴، همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.

۳. همان، ص ۱۵۰، همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.

۴. همان، ص ۲۵۸، همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.

۵. همان، ص ۲۷۹، همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد. احادیث از این دست برای بسیاری از سوره‌ها موجود است.

۶. همان، ص ۳۱۷، همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد. احادیث از این دست برای بسیاری از سوره‌ها موجود است.

۷. همان، ص ۳۳۶، همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد. احادیث از این دست برای بسیاری از سوره‌ها موجود است.

۸. همان، ص ۳۷۱، همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.

۹. همان، ص ۳۹۹، همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.

۱۰. همان، ص ۴۴۳، همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.

۱۱. همان، ص ۴۶۹، همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.



- من ضامنم برای کسی که عمامه‌ای بر سر داشته باشد و از خانه خود بیرون رود که صحیح و سالم به خانه‌اش باز گردد.<sup>۱</sup>

- کسی که از خانه خود یا از خانه دیگری بیرون آید و چشم او به اسبی سرخ رنگ مایل به زرد بیفتد که پاهای او سفیدی داشته باشند و اگر در پیشانی او خال سفیدی که بر بینی او کشیده شده، به راحتی و خوشی زندگی به تمام معنارسیده است، و در آن روز جز خوشی و خرمی نخواهد دید، و اگر هنگامی که از پی کاری می‌رود، چنین اسبی را ببیند، خداوند حاجت او را برآورده می‌سازد.<sup>۲</sup>

- کسی که برای خدا به عیادت بیماری برود، آنچه را که بیمار در حق او دعا کند خداوند آن را مستجاب می‌فرماید.<sup>۳</sup>

- خداوند بزرگ می‌فرماید: کسی که مرا دعا کند، و بداند که تنها منم که سود و زیان می‌رسانم، نیاز او را برمی‌آورم.<sup>۴</sup>

- هیچ وقت نیست که چهار نفر در رابطه با خواسته‌ای اجتماع کرده و همدعا شوند مگر پیش از آنکه از هم جدا شوند، دعای آنان مستجاب می‌شود.<sup>۵</sup>

### ب - گزاره‌های دینی غیر قابل تجربه.

#### - شرطی یک مرحله‌ای، غیر قابل تجربه

به عنوان نمونه، چند حدیث از کتاب ثواب الاعمال آورده می‌شود:

- ثواب کسی که سوره جاثیه را تلاوت کند این است که هرگز آتش جهنم را نمی‌بیند، و صدای آن را نمی‌شنود، و با رسول خدا ﷺ محشور می‌شود.<sup>۶</sup>

- کسی که گرسنه‌ای را سیر کند، خداوند برای او رودی در بهشت جاری خواهد نمود.<sup>۷</sup>

#### - شرطی دو یا چند مرحله‌ای، غیر قابل تجربه

به عنوان نمونه، چند حدیث از کتاب ثواب الاعمال آورده می‌شود:

۱. همان، ص ۴۷۳. همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.
۲. همان، ص ۴۸۳. همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.
۳. همان، ص ۴۸۳. همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.
۴. همان، ص ۳۹۲. همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.
۵. همان، ص ۴۱۰. همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی، ثواب الأعمال، ترجمه مجاهدی، قم، سرور، ۱۳۸۱ش، ص ۲۹۸. همچنین احادیث مشابه صص ۲۷۳، ۳۰۴، ۳۰۷، ۳۲۹، ۳۳۵.
۷. همان، ص ۴۶۶. همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.

- هر کس قبر حسین بن علی علیه السلام را زیارت کند، در حالی که از مقام و منزلت او آگاه است، خداوند گناہانی را که تا آن زمان مرتکب شده است، می‌آمرزد.<sup>۱</sup>
- خداوند می‌فرماید: بحق خودم، بر خود لازم کردم که کسی را که (انگشتری) عقیق دست کند، به آتش عذاب نکنم، به شرط آنکه علی علیه السلام را دوست داشته باشد.<sup>۲</sup>
- کسی که به هنگام خواب، یک صد مرتبه لا اِلهَ اِلَّا اللهُ بگوید، خداوند عالمیان خانه‌ای در بهشت برایش می‌سازد.<sup>۳</sup>
- هر کس که قرآن کلام او، و مسجد خانه او باشد، خداوند برای او خانه‌ای در بهشت بنا سازد.<sup>۴</sup>
- کسی که هفت سال برای خدا اذان بگوید در روز قیامت بدون گناه محشور خواهد شد.<sup>۵</sup>
- هر کس رکوع خود را درست بجای آورد، از وحشت قبر آسوده خاطر است.<sup>۶</sup>
- هر کس از امت من، چهل حدیث را که مورد نیاز مردم باشد به خاطر بسپارد خداوند عزوجل او را در روز قیامت فقیه و دانشمند محشور می‌فرماید.<sup>۷</sup>
- کسی که مؤمن گرسنه‌ای را سیر کند، خداوند برای او سفره‌ای در بهشت می‌گسترده که تمام انس و جن از آن سفره سیر برمی‌خیزند.<sup>۸</sup>
- کسی که مسلمانی را معطر کند، خداوند در روز قیامت به ازای هر تار مویی، نوری را برای او منظور می‌فرماید.<sup>۹</sup>
- هر مرد یا زنی که سه فرزند نابالغ خود را از دست بدهند، آن فرزندان به منزله حجاب او از آتش دوزخند.<sup>۱۰</sup>
- هیچ بنده‌ای نیست که از روی دلسوزی و مهربانی دست بر سر یتیمی بکشد، مگر آنکه خداوند در روز قیامت به شماره هر مویی، نوری به او کرامت فرماید.<sup>۱۱</sup>

---

۱. همان، ص ۲۳۰. همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.  
۲. همان، ص ۴۴۳. همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.  
۳. همان، ص ۴۰. همچنین احادیث مشابه صص ۴۱، ۴۳، ۴۷.  
۴. همان، ص ۹۳. همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.  
۵. همان، ص ۱۰۱. همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.  
۶. همان، ص ۱۰۶. همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.  
۷. همان، ص ۳۴۸. همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.  
۸. همان، ص ۳۵۵. همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.  
۹. همان، ص ۳۸۹. همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.  
۱۰. همان، ص ۴۹۵. همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.  
۱۱. همان، ص ۵۰۳. همچنین احادیث مشابه صفحات قبل و بعد.

#### ۴ - تجربه، ابزار بررسی برخی روایات و احادیث است

- ۱- آموزه‌هایی دینی اسلامی، از جهت ساختار زبان، بشری هستند.
- ۲- ساختار جملات دینی اسلامی، خبری و انشایی هستند.
- ۳- جملات خبری، گزاره‌مندند.
- ۴- گزاره‌ها، چه شرطی و چه غیرشرطی، قابل صدق و کذب هستند.
- ۵- بنابراین، برخی گزاره‌های دینی (یعنی آموزه‌ها)، قابل صدق و کذبند.
- ۶- «آموزه‌های دینی» از آنجا که بعد از نزول وحی و در اختیارگیری پیامبران، از جنس تعاملات و تبادلات انسانی و بشری هستند؛ دیگر، نمی‌توان مسأله حواس بدن را به عنوان «ابزار تجربه» حداقل از برخی مسائل، آموزه‌ها و گزاره‌هایی دینی جدا کرد.
- ۷- بررسی محتوایی گزاره‌های دینی موجود در روایات و احادیث، نشان می‌دهد که گزاره‌های دینی، شامل گزاره‌های قابل تجربه و غیرقابل تجربه هستند.
- ۸- بنابراین، اگر گزاره‌های دینی قابل تجربه باشد، می‌توان آن را تجربه نمود.
- ۹- تجربه نمودن گزاره‌های قابل تجربه (جدای از مشکلات و مسایل مطرح شده در فلسفه علم پیرامون تجربه و آزمون تجربی)، می‌تواند منتهی به صدق و کذب آنها می‌شود.
- ۱۰- اعلام صدق و کذب برای روایات و احادیث، به این معنی است که از طریق تجربه و آزمون عملی (جدای از بررسی نظری احادیث و روایات) می‌توان به ابزار مناسبی برای بررسی عملی روایات و احادیث دست یافت.
- ۱۱- بنابراین، «تجربه، می‌تواند به عنوان ابزار بررسی صدق برخی روایات و احادیث دینی، نقش ایفا کند».

#### ۵ - آزمون و ارزیابی فرضیه

در یک تحقیق، همیشه میسر نیست که کل آزمودنی‌های یک جامعه را مورد بررسی قرار داد؛ چرا که از نظر زمان، منابع مالی، منابع انسانی و... محدودیت‌هایی وجود دارد و غالباً امکان بررسی همه جامعه وجود ندارد. بنابراین، باید جزئی از آزمودنی‌ها را به گونه‌ای که نماینده معقولی برای کل آزمودنی‌های آن جامعه باشند، انتخاب نموده<sup>۱</sup> و نتایج بررسی روی آنها را به کل جامعه،

۱. برای بیشتر تحقیقات، حجم نمونه بزرگ‌تر از ۳۰ و کمتر از ۵۰۰ عدد، مناسب است.

تعمیم داد؛ هر چند که با توجه به وجود خطا در این عمل، لازم است میزان خطا را نیز محاسبه و اعلام نماییم.

به عنوان مثال، دو نمونه آزمون پیشنهاده و معرفی می‌شود، که این آزمون‌ها به راحتی قابل انجام است. نتیجه آنها (چه مثبت و چه منفی) به روشنی می‌تواند گویای فرضیه مطرح شده در این نوشتار باشد.

## نمونه آزمون یک

نمونه‌ای از روایات «قابل تجربه»، حدیث زیر پیرامون قرائت و خواندن آیه یا آیات آخر سوره کهف<sup>۲</sup>، قبل از خواب، جهت بیدار شدن در ساعت دلخواه برای صبح می‌باشد:

از امام صادق علیه السلام روایت شده: «هر بنده خدایی آخرین آیه سوره کهف را قرائت نماید، در هر ساعتی<sup>۳</sup> که بخواهد از خواب بیدار می‌شود»<sup>۴</sup>.

این روایت از نظر رجالی سندی صحیح دارد و همه افراد سند<sup>۵</sup>، امامی ثقة هستند.

خودم، سال‌های سال است صحت و صدق نتیجه عمل به محتوای این روایت را به شخصه تجربه کرده‌ام. ساعت بیداری به وسیله آن، آنچنان دقیق است که می‌توان ساعت خانه را بر اساس آن تنظیم و کوک نمود. همچنین، درباره صدق این عجیبه، مطالب و داستان‌هایی در کتاب‌ها موجود است. به عنوان مثال دو نمونه از آن ذکر می‌شود.

۱. می‌توان از روش‌های مختلفی برای نمونه‌گیری (بسته به نوع جامعه آماری) استفاده نمود. دو نوع طرح نمونه‌گیری شایع است: نمونه‌گیری تصادفی و غیرتصادفی؛ ولی عموماً از نمونه‌گیری غیرتصادفی استفاده می‌شود. در نمونه‌گیری تصادفی، اعضای جامعه به عنوان آزمودنی‌های نمونه منتخب، از شانس و احتمال یکسانی برخوردارند. در نمونه‌گیری غیرتصادفی، اعضای جامعه به عنوان آزمودنی‌های نمونه منتخب، از شانس و احتمال یکسانی برای انتخاب شدن برخوردار نیستند.

۲. «قُلْ لَوْ كَانَتِ الْبُحُرُ مِدادًا لَكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفَذَ الْبُحُرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَعَكَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِائَةِ مِدادٍ أَقْلًا إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُ الْهُدَى وَالْهِدَى اللَّهُ الَّذِي وَجَدَهُ فَكَّرَ كَاتِبٌ يَنْجُو الْفَاءَ رَبِّهِ فَأَلْقَى عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكُ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» (آیه ۱۰۹ و ۱۱۰)

۳. حسن بن فضل طبرسی ذیل روایت می‌نویسد: «این برای کسی است که می‌خواهد برای نماز صبح بیدار شود». (مکارم الاخلاق، ص ۲۹۱) متن روایت مطلق است و چنین قیدی که طبرسی بیان نمود، ندارد، اما روشن است کسی که می‌خواهد صبحگاهان بیدار شود، ابتدا نماز صبحش را می‌خواند و شاید مرحوم طبرسی به همین خاطر در شرح روایت چنین گفته است.

۴. ما من عبدي يقرا آخر الكهف الا يتيقظ في الساعة التي يريد. (کلبی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق: غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ج ۲، ص ۴۶۲. نیز: تفسیر نورالتقلین، ج ۳، ص ۳۱۶). همچنین: عن ابن عباس أنه قال له (رسول الله) رجل: «إني أضمر أن أقوم ساعة من الليل فيغلبني النوم، فقال: (إذا أردت أن تقوم أي ساعة شئت من الليل فاقرأ إذا أخذت مضجعك)». «قُلْ لَوْ كَانَتِ الْبُحُرُ... إلى آخر» (تفسیر روح البیان، ج ۵، ص ۳۱۶. نیز: الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۱، ص ۷۲).

۵. احمد بن محمد بن احمد عن محمد بن احمد النهدي عن محمد بن الوليد عن أبان عن عامر بن عبد الله بن خراعة عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

شیخ بهایی بعد از نقل روایت در مفتاح الفلاح، می‌گوید:

«این دستور، از اسرار عجیبی است که در صحت آن، تردیدی نیست و تجربه شده است»<sup>۱</sup>.

همچنین، پیرامون حدیث یادشده، علامه حسن زاده آملی نوشته است:

«این کلمه مبارکه در بیان «ساعت زندگی» خداوند سبحان است، که نگارنده سالیانی به دستور آن بهره‌مند است، و چه بسیار پیش آمده است که آلت مصنوعی ساعتش را بدان میزان کرده است؛ و آن این است که امین‌الاسلام طبرسی در تفسیر قویم مجمع البیان، درباره آخرین آیه سوره مبارکه کهف، از امام ملک و ملکوت صادق آل محمد (علیهم السلام) روایت نقل کرده است»<sup>۲</sup>.

آنچه قابل توجه است اینکه، تأیید جداگانه افراد و علما در صحتِ صدق این روایت قابل تجربه، که مشخصاً در یک جامعه آماری معین واقع نیستند، از نظر علمی فایده‌ای ندارد؛ زیرا شامل نتیجه منفی افراد یک جامعه آماری نیست، و ممکن است فقط از یک هم‌پهلویی مورد دلخواه، حکایت کند. به این معنی که در یک آزمون نمونه‌گیری، لازم است جامعه آماری مشخصی در نظر گرفته شود، و نتیجه مثبت و منفی نمونه‌های افراد آن جامعه آماری به صورت یکجا، مورد نظر و نتیجه‌گیری واقع شوند.

بنابراین، آزمون تجربی فوق، باید به صورت مجزا، توسط علاقمندان به نتیجه آن، در یک جامعه آماری حداقل ۳۰ نفره، انجام شود.

## نمونه آزمون دو

نمونه‌ای از روایات «قابل تجربه» احادیث زیر، پیرامون عدم شفاء در چیز حرام است:

- در چیزهای حرام، هیچ شفائی نیست<sup>۳</sup>.
- شفای شما در چیزهایی که بر شما تحریم شده، قرار داده نشده است.<sup>۴</sup>

و نیز روایات مشابه که همین معنا را تداعی می‌کنند:

- خداوند شفاء ندهد کسی را که خود را با خمر و پی خوک درمان کند.<sup>۵</sup>

۱. عاملی، محمد بن حسین، مفتاح الفلاح، تهران، دارالکتب الاسلامی، ص ۲۸۳.

۲. حسن زاده، حسن، هزارویک کلمه، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۳ش، کلمه ۵۳۴.

۳. لیس فی الحرام شفاء، (مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق، ج ۵۹، صص ۶۷-۸۶).

۴. لَمْ یَجْعَلْ فِی شَیْءٍ مِّمَّا حَرَّمَ شِفَاءً وَلَا دَوَاءَ الْکَافِی. (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق: غفاری علی‌اکبر و آخوندی، محمد، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ چهارم ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۱۳. نیز: مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت، موسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق، ج ۵۷، ص ۱۶۲).

۵. فَلَا شَفِیَ اللهُ أَحَدًا شَفَاءَ حَمْرٍ وَ شَحْمٍ خِزْرِی (زیات نیشابوری، ابن سابور، طب الاثمه، ص ۶۲. شبیه این روایت در: عاملی، شیخ حر،

برای آزمون تجربی صدق این دست از روایات، دو گونه می‌توان عمل کرد:

الف - بررسی اثر شفابخشی داروهایی که اجزاء و محتویات آنها، اساساً از چیزهای حرام تشکیل شده است. همانند: شراب یا داروهایی که دارای الکل<sup>۱</sup> (با فرض نجس بودن) هستند و نیز داروهایی که از نجاسات<sup>۲</sup>، یعنی از اجزاء اشیاء<sup>۳</sup> یا حیوان‌های ذاتاً نجس<sup>۴</sup> یا حرام گوشت<sup>۵</sup> و یا عدم تذکیه<sup>۶</sup> حیوانات، تشکیل شده‌اند.

ب - بررسی اثر شفابخشی داروهایی که به خودی خود حرام نیستند<sup>۷</sup>، ولی در اثر حکم ثانوی، حرام محسوب می‌شوند؛ همانند: دارویی که در اثر تماس با نجاست، نجس شده است.

به این معنی که، سازنده یا تهیه کننده دارو، مشمول احکام نجاسات<sup>۸</sup> است و در تسری نجاست<sup>۹</sup> از وی به دارو، دست داشته است؛ یا می‌توان داروها را با اراده خودمان در زمان آزمون تجربی صدق این روایات، در تماس با نجاست، نجس نماییم. نتیجتاً در هر دو صورت، چون داروها نجس شده‌اند، و خوردن نجاست، حرام است<sup>۱۰</sup>، به بررسی اثر شفابخشی این داروها، به عنوان داروی حرام، بپردازیم.

وسائل الشیعه، قم، آل‌البیت، ج ۲۵، ص ۳۴۵.

۱. مانند الکزیر دیفین‌هیدرامین (Diphyn Hydramine)، الکزیرها محلول‌های خوراکی و شیرین شده هیدروالکلی می‌باشند. در این فرآورده‌ها با استفاده از الکل، سبب حل شدن موادی می‌شوند که در آب نامحلول یا کم محلول و در الکل محلول است. میزان الکل الکزیرها بسته به نوع ماده مؤثره متفاوت است.

۲. چیزهایی که نجس به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته نخست، آنچه اصالتاً نجس است (نجاسات ده‌گانه) که آن را عین نجس می‌گویند؛ دسته دوم آنچه اصالتاً پاک است، اما به دلیل تماس با نجاسات، نجس شده است.

۳. خوک و سگ (غیر دریایی و آبی).

۴. خون، ادرار، مدفوع، منی، مردار، کافر، شراب، قُفَاع.

۵. حیوانات حرام گوشتی که پاکند چنانچه از درندگان باشند مانند شیر، پلنگ و عقاب بنا بر قول مشهور قابل تذکیه‌اند؛ ولی در تذکیه پذیر بودن مسخ شدگان، مانند فیل و میمون و نیز حیوانات حرام گوشت دریایی، همچنین حشرات دارای خون جهنده، همچون موش و نیز غیر آنها از حیوانات حرام گوشت اختلاف است. (نجفی جواهری، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۲۶، صص ۱۹۲-۱۹۹ و ۲۵۳-۲۵۵)

۶. گونه‌های تذکیه عبارت است از: ذبح در غیر شتر، نحر در شتر، شکار در حیوانات وحشی، ماهی و ملخ و تبعیت در جنین که به تبع تذکیه مادر، جنین در رحم نیز مذکی خواهد بود. (نراقی، احمد، مستند الشیعه، قم، موسسه آل‌البیت، ج ۱۵، ص ۲۷۸)

۷. غالب داروهای موجود در داروخانه‌ها.

۸. کافری که در فقه نجس محسوب می‌شود به معنای غیر مسلمان است. فقیهان شیعه هفت گروه را کافر دانسته و آنها را نجس می‌دانند، البته با اختلاف نظر در برخی موارد (رساله توضیح المسائل نه مرجع، تدوین و تطبیق راشدی، پیام عدالت، چاپ اول، ۱۳۸۵ش، ص ۷۱-۷۳)

۹. متنجس نیز مانند عین نجاست، نجس‌کننده است. (بیارجمندی، یوسف، مدارک العروه، چاپ نعمان، نجف اشرف، بی تا، ج ۲، ص ۱۹۰)

۱۰. خوردن و آشامیدن چیز نجس، حرام است. (اصولی، احسان و بنی هاشمی خمینی، محمد حسن، رساله توضیح المسائل (مراجع)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ص ۹۴، مسأله ۱۴۱)



در این آزمون تجربی، لازم است از قرص حاوی مواد حرام یا قرص آلوده به نجاست، برای درمان یک جامعه آماری حداقل ۳۰ نفره از بیماران، استفاده شود. نتایج معنی دار بهبودی یا عدم بهبودی بیماران، می تواند نتیجه صحت و صدق این دست روایات را روشن کند.

## ۶ - حل مسأله و ارائه نظریه

وقتی گزاره‌ای دینی، قابل تجربه است، می توان و حتی باید، آن را تجربه کرد و اگر در تجربه نتوانست صادق باشد، به استناد تجربه و آزمون عملی، صدق آن گزاره را ابطال و اگر در تجربه و آزمون عملی صادق بود، به استناد تجربه آن را اثبات نمود.

بنابراین، تجربه و آزمون عملی، می تواند برخی احادیث و روایات یا به طور عام، گزاره‌های دینی را (حداقل به صورت موردی و با پذیرش قواعدی به صورت کلی) ابطال و اثبات کند.



## نتیجه‌گیری

بررسی سندی احادیث و روایت، و ضعف آن می‌تواند قرینه‌ای برای ناستواری حدیث تلقی شود، اما این نوع بررسی، تنها بخشی از ارزیابی احادیث و روایات را تشکیل می‌دهد. برای کنار گذاشتن احادیث و روایات مجعول، نیازمند دلایل محکم‌تری، همانند نقد متن هستیم؛ با توجه به محدودیت نقد سند، باید نقد متن را، مهم‌ترین راه ارزیابی حدیث تلقی کنیم.

نقد متن محور احادیث و روایات، معمولاً با دو گروه از معیارها انجام می‌گیرد:

الف: معیارهای نقلی؛

ب: معیارهای عقلی.

به عنوان یکی از معیارهای عقلی، می‌توان جدای از ابزارهای نظری بررسی صحت و کذب روایت و احادیث اسلامی، با تجربه و آزمون عملی، برخی از گزاره‌های دینی قابل تجربه را از پلشتی‌ها و خرافات زدود. این راه جدید (جدای از بررسی نظری احادیث و روایات) ابزار مناسبی برای بررسی عملی صدق و کذب برخی روایات و احادیث می‌باشد.

## منابع و کتابنامه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۱ش)، *ثواب الأعمال*، ترجمه مجاهدی، قم: سرور.
۲. ابن سینا (۱۴۰۳ق)، *الاشارات والتنبيهات* (مع الشرح لنصیرالدین طوسی و شرح الشرح لقطب الدین رازی)، تهران: بی‌نا.
۳. ابن سینا (۱۴۰۴ق)، *الشفاء*، چاپ ابوالعلا عقیفی، قاهره ۱۳۷۵ق، قم: چاپ افست.
۴. استادی، کاظم (۱۳۹۳ش)، *نقش مغز پیامبران و کارکردهای آن در دریافت و ابلاغ وحی*، (مقاله‌ای از کتاب تحریف و مصحف) قم: خدادای.
۵. استادی، کاظم (۱۴۰۰ش)، «تأثیر گسست لغت نامه نویسی (دو قرن اول هـ. ق) بر قطعیت تفسیر کنونی قرآن و حدیث»، قرآن و روشنگری دینی، دوره ۱، ش ۴.
۶. اصولی، احسان و بنی هاشمی خمینی (۱۳۸۱ش)، *رساله توضیح المسائل* (مراجع)، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۷. آمدی، ابوالفتح (بی‌تا)، *غرر الحکم*، تهران: دارالکتب الاسلامی.
۸. ایجی، میر سید شریف (۱۳۲۵ق)، *شرح المواقف*، قم: شریف رضی.
۹. بیارجمندی، یوسف (۱۳۸۱ق)، *مدارک العروه*، نجف: چاپ نعمان.
۱۰. پرتو، ابوالقاسم (۱۳۷۳ش)، *واژه یاب* (فرهنگ برابره‌های پارسی واژگان بیگانه)، تهران: اساطیر.
۱۱. پوپر، کارل (۱۳۸۱ش)، *منطق اکتشاف علمی*، ترجمه سید حسین کمالی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۲. تهانوی، محمد اعلی بن علی (۱۳۷۵ق)، *کشاف اصطلاحات الفنون والعلوم*، بیروت: ناشرون.
۱۳. توفیقی، حسین (۱۳۸۴ش)، *آشنایی با ادیان بزرگ*، تهران: انتشارات سمت.
۱۴. چنیگ، جولیا (۱۳۸۳ش)، *ادیان چین*، مترجم حمیدرضا ارشدی، تهران: انتشارات باز.
۱۵. حائری طباطبایی، سید محمد مجاهد (بی‌تا)، *کتاب المناهل*، قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام.
۱۶. حسن زاده، حسن (۱۳۹۳ش)، *هزار و یک کلمه*، قم: بوستان کتاب.
۱۷. حقی، اسماعیل بن مصطفی (بی‌تا)، *تفسیر روح البیان*، بیروت: دارالفکر.
۱۸. حکیم، محسن (۱۴۰۸ق)، *حقایق الاصول*، قم: بصیرتی.
۱۹. حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۳۸۳ق)، *تفسیر نور الثقلین*، نجف: مطبعة العلمیة.
۲۰. خوبی، ابوالقاسم (۱۴۱۰ق)، *محاضرات فی اصول الفقه*، قم: انصاریان.

۲۱. راشدی، لطیف (۱۳۸۵ش)، رساله توضیح المسائل نه مرجع، تدوین و تطبیق راشدی، تهران: پیام عدالت.
۲۲. راوندی، قطب الدین (۱۴۰۹ق)، الخرائج والجرائح، قم: مؤسسه الامام المهدي.
۲۳. رضی، هاشم (۱۳۸۲ش)، آیین مغان (پژوهشی درباره ادیان ایرانی)، تهران: انتشارات سخن.
۲۴. زیات نیشابوری، ابن سابور (بی تا)، طب الاثمه، قم: شریف رضی.
۲۵. سلیمانی، عبدالرحیم (۱۳۸۲ش)، ادیان ابتدایی و خاموش، قم: آیت عشق.
۲۶. سید رضی، محمد بن الحسین (۱۳۷۸ش)، نهج البلاغه، ترجمه شهیدی، تهران: علمی فرهنگی.
۲۷. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۳ق)، المیزان، بیروت: مؤسسه الأعلمی.
۲۸. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۷ش)، مکارم الاخلاق، قم: شریف رضی.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۵ق)، رجال طوسی، به کوشش الاصفهانی، قم: جامعه مدرسین.
۳۰. عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۳۱. عاملی، محمد بن حسین (بی تا)، مفتاح الفلاح، تهران: دارالکتب الاسلامی.
۳۲. فارابی، محمد بن محمد (۱۴۰۸ق)، المنطقیات، قم: چاپ محمدتقی دانش پژوه.
۳۳. فارابی، محمد بن محمد (۱۹۸۰م)، کتاب الجمع بین رأیی الحکیمین، بیروت: البیرنصری نادر.
۳۴. فیاض، محمد اسحاق (۱۴۲۲ق)، محاضرات فی اصول الفقه، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی.
۳۵. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش)، الجامع لأحكام القرآن، تهران: متصر خسرو.
۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، محقق: غفاری علی اکبر، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۳۷. گروهی از نویسندگان (۱۳۸۵ش)، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۳۸. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۳۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۳ش)، آشنایی با علوم اسلامی، تهران: انتشارات صدرا.
۴۰. ملک افضل، حسین، و دیگران (۱۳۸۳ش)، روش شناسی پژوهش های کاربردی در علوم پزشکی، تهران: دانشگاه علوم پزشکی.
۴۱. مؤسسه امام صادق (۱۳۸۷ش)، دانشنامه کلام اسلامی، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۴۲. میرزای قمی، ابوالقاسم (بی تا)، اصول دین، بکوشش رضا استادی، تهران: مسجد جامع.
۴۳. نجفی، محمد حسن (بی تا)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۴. نراقی، احمد (۱۴۱۵ق)، مستند الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۴۵. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل بیت علیهم السلام.
۴۶. هیوم، رابرت (۱۳۹۱ش)، ادیان زنده جهان، تهران: علم.

center. 18 December 2012. Retrieved 18 March 2013. "Major Religions of the World Ranked by Number of Adherents". Adherents.com. 2005. Retrieved 19 Jun 2010.

48. Wiegand H. E. (2004) , Sociolinguistics: An International Handbook of the Science of Language and Society, 2nd ed. , vol. 1, Berlin: Walter de Gruyter. P352
49. Compare various contemporary definitions given in the OED (2nd edition, 1989)

